

شبحي در خاورميانه و شمال افريقا در گشت و گذار است، شبح روي گرداندن از اسلام !

وقتي در سال ۲۰۰۷ در کشور آلمان اولين سازمان اکس مسلم را بنیان گذاشتيم، با وجود اینکه اين حرکت با استقبال عظيم بين المللي مواجه شد، هیچگاه تصور نمیکردم، در کشورهای خاورميانه و شمال افريقا و در کشورهای اسلام زده، با اين سرعت، به يمن انقلابات و شورش هاي عظيم اجتماعي، جنبش اکس مسلم رشد کند و جوانان زيادي خود را اکس مسلم نام نهاده و سازمانهاي اکس مسلم را بنیان نهند. اين روزها با تلفني از مراکش و اینکه آنور خط کسي بمن گفت، من یک اکس مسلم مراکشي هستم و میخواهم ببينم در اين کشور چه ميتوان کرد، رابطه ام با جواناني در مراکش وصل شد که فعاليت میکنند و خود را به جنبشي منتصب میکنند که در ۲۰۰۷ در آلمان آغاز شد.



عماد الدين حبيب یک وبلاگ نويس مراکشي است که چند روز پيش از طريق دوستش با من تماس گرفت. او خود را اکس مسلم ميداند و موسس سازمان اکس مسلم در مراکش است. او ميگويد ما هزاران هزار نفر هستيم. در مصر، در تونس، الجزاير و ايران، ما همه جا هستيم و با جان و زندگي امان بازي ميکنيم. ما خدا و الله را قبول نداريم، ما اسلام را طرد کرده ايم، آيا اين جرم است؟

اسمش را قبلا شنیده بودم، با مريم نمازي ارتباط داشت و از کساني است که با سازمان اکس مسلم در فرانسه که اخيرا تاسيس شد، ارتباط دارد.

عماد ميگويد در آغاز خواستم قانون اساسي جديد مراکش را امتحان کنم، گفته اند، آزادي عقايد و وجدان را تضمين میکنند، پس با استناد به اين اصل در قانون اساسي سازمان اکس مسلم را بنیان نهادم. اکس مسلم مراکش را ميگويم، یک هفته بعد بالاترين دستگاه مذهبي و اسلامي در اين کشور فتوا صادر کرد. نهادي که وابسته به قانون اساسي است و از طرف پادشاه شخصا هدايت ميشود، اعلام کردند که جواب مرتدين، قتل آنها است. عماد ميگويد نهاد قانون اساسي نمیتواند و در موقعيتي نيست که عليه یک مرتد و بي دين قتل سازمان دهد، چرا که پادشاه موقعيت خود را در سطح دنياي غرب بعنوان پادشاه فرميست نميخواهد خراب کند. اما او ميگويد اين فراخواني است عملي به اسلاميست ها و اجازه اي است رسمي به آنها که اگر توانستند ما را يعني مرتدين و بي دينها و کساني را که در مراکش که از اسلام دست ميکشند، را پيدا کنند، ما را بکشند. قاتلين را آزاد خواهند گذاشت چرا که فتوا و دستور خدا را عملي کرده اند. با عماد مصاحبه مفصلي تر کرده ام که بزودي منتشر ميشود.

كاظم الغزالي – اکس مسلم ديگري از مراکش



قبلا با کاظم آشنا بودم. دو سال قبل بر اثر فتوا و حملات اسلاميها کشورش را ترک کرد و ساکن سوئیس شد. او در جواني در یک مکتب قران درس خوانده بود و در نزديکي کازابلانکا تفکر و نوع لباس و آرایش صورتش شبیه به سلفي ها بود و پدرش که از تاثیر دوستان منحرف میترسید و او را در مدرسه اسلامي گذاشته بود، برایش یک کامپیوتر خریده بود تا سرگرم شود و او میگوید همین دستگاه یک پنجره اي بود به سوي دنياي جديد. او ساعتها در جلوي کامپیوتر مي نشست و با دوستاني از اینترنت آشنا میشد. چیزهايي میخواند که در مکتب و قران آنها را ندیده بود. در مورد تئوري داروين و تکامل و از مطبوعات و ادبيات بين المللي میخواند. او فرهنگ جديدي را شناخت که در مسجد و مکتب قران آنرا ندیده بود و او کم کم از اسلام دست کشید تا اینکه امروز بعنوان یک اکس مسلم علني فعالیت و سخنراني میکند.

جنبش طرد مذهب اسلام در مصر یک جنبش توده اي است!



مومن يعني معتقد به خدا ولي برخلاف اسمش او از خدا روي گردان است. مومن خود را آتئیست معرفي میکند و ۲۱ سال دارد در دانشگاه الازهر مهندسي میخواند و دو سال در مورد دست کشیدن از اسلام سکوت کرده و وقتی مبارک را مردم در یک انقلاب عظیم سرنگون کردند او جرات پیدا کرد و به افراد خانواده اش و دوستان نزديکش گفت، من ديگر مسلمان نيستم، من یک اکس مسلم هستم، او در اين روزهاي انقلابي متوجه شد، ابا تنها نيست بسياري از دوستانش گفتند ما هم همین طور هستيم. او یک فیس بوک راه انداخت به اسم " سازمان آتئیست هاي مصري " که در فاصله کوتاهی هزاران نفر عضو آن شدند، بسياري با اسم و مشخصات کامل و درست خود. مومن میگوید: مصريها بطور طبيعي آنقدر مذهبي نيستند که اسلاميها سعي میکنند ما را چنين جلوه دهند من حدس میزنم که در هر خانواده مصري یک آتئیست و حداقل یک منتقد اسلام هست. کسانی که فقط بدليل ترس از اطرافيان اينرا مخفي نگه میدارند."

او از یک تجربه خود در کایرو میگوید. یک مسجد و یک امام فراخوان دادند به یک سخنراني تیتري سخنراني اين بود " یک آتئیست چگونه فکر میکند " او به همراه سه دوستش آنجا رفت و دید مسجد پر از جوانان است و ملا ۸۰ دقیقه بقول مومن مزخرفات گفت و در مورد تئوري داروين و در مورد دنيا و آخرت و او دید که اکثر جواناني که مسجد را پر کرده آتئیست بودند.

مومن میگوید: در این مسجد زنان زیادی را دیدم ، زناني که با وجود اینکه روسري برسر داشتند، خود را آتئیست معرفی میکردند و حرف میزدند. اکثر این جوانان اکس مسلم هاي تحصیل کرده بودند که از دانش و معلومات زیادی در مورد علوم طبیعی و ... برخوردار بوده و علیه سخنرانی ملا، با استدلال و بطور علمی حرف زده و پاسخ این اسلامیه را میدادند.

ما مومنین را در خانه خودشان یعنی مسجد ، مورد حمله قرار داده و آنها را شکست دادیم آیا این مهم نیست؟
وقتی از او میپرسند آیا اکس مسلم بودن خودش را سیاسی تلقی میکند و یا فعالیت سیاسی میکند پاسخ او اینست:

من در نظر نداشتم در مورد بی خدا بودن خودم کاری سیاسی بکنم، ولی وقتی اعتقاد داشتن امری سیاسی است بی اعتقاد بودن من نیز اتوماتیک یک امر سیاسی میشود. تا زمانی که بی خدایان و مرتدین مورد تعقیب هستند و تا زمانی که مذهب خود را در مسائل شخصی و زندگی افراد دخالت میدهد، دست کشیدن من از مذهب نمیتواند شخصی بماند.

او در جلساتی شرکت میکند که در آنجا چنین میگویند: اسلام یک ایدئولوژی فاشیستی است و این فاشیسم اسلامی را فقط اخوان المسلمین ایجاد نکرده است بلکه این تفکر فاشیستی در بطن اسلام و در تاریخ اسلام نهفته است. در جلساتی در اینترنت و یا در سالنهایی در مصر از این نوع حرفها را میتوان شنید.
مومن به مرگ تهدید شده و علیه او نیز فرمان قتل داده اند.



نادیا زروقی از تونس یک اکس مسلم است.
نادیا میگوید پدر بزرگم را عاشقانه دوست داشتم وقتی او مرد، همه برای دفن کردن این شخص عزیز رفتیم، منم آنجا رفتم ولی یک ملا بادیدن من گفت زنان حق ندارند نزدیک شوند و مرا از محل دور کردند، گریان و در هم ریخته به خانه رفتم و با خودم فکر میکردم این چه مذهبی است که بین من و پدر بزرگ عزیزم یک دیوار میکشد این چه خدایی است که به مردان حق میدهد مرا کتک بزنند، من بتدریج به نقد اسلام روی آوردم و الان اکس مسلم هستم من به اسلام اعتقادی ندارم. او یک قیچی آورده و موهایش را از ته میزند، او میگوید با این موها مذهبم را هم پرت میکنم. من دیگر مسلمان نیستم.. او با حامد عبدالصمد نویسنده و منتقد اسلام که یک چهره شناخته شده آلمانی- مصری است در یک رستوران ملاقات کرده و حامد مینویسد او سیگاری روشن کرده و میگوید در انقلاب علیه بن علی فعالانه شرکت کردم من به همراه هزاران نفر برای عدالت اجتماعی و دفاع از جهانشمولی حقوق انسان به خیابان رفتیم اینکه سلامیه با این سرعت قدرت را گرفته و از یک سیستم ضد انسانی و ضد زن دفاع میکنند، اینرا نمیخواستیم. نادیا میگوید الان بدلیل جنایات اسلامیه همه میترسند حتی کمونیست های دو آتشفشان نیز نمیگویند لائیسیت هستند. بسیاری از جوانان به اعتیاد روی آورده اند ولی باید مبارزه کرد.

ایران کشوری که صدای ارتداد جوانان آنها تا عرش اعلی میرسد!

ما موسسین و فعالین اولیه اکس مسلم از ایران بودیم. بی دلیل نبوده و نیست که ما مرکز توجه و تجمع اکس مسلم ها و جنبش اکس مسلم در خاورمیانه و شمال آفریقا شده ایم. ما زهر اسلام در قدرت و جنبش اسلامی را سی و پنج سال است که چشیده ایم و علیه این جنبش کثیف و جنایتکار در عرصه های مختلف مبارزه کرده و تجربه اندوخته ایم.

از نظر من ایران کشوری است که در آن عملاً ریشه های اسلام زده شده و نفرت عمیق و عظیمی علیه این مذهب و این دستگاه جنایت در بین مردم انباشته شده است. این شیر بی یال و کوپال را باید زیر پا له کرد. ۳۵ سال جنایت به اسم اسلام، ۳۵ سال نابود کردن یک جامعه و زیر پا له کردن حقوق همه آحاد و افراد ساکن آن جامعه، باعث انباشته شدن نفرت عظیمی از آخوند و سردمداران رنگارنگ این حکومت اسلامی و در عین حال علیه اسلام و مذهب، شده است. مردم در تجربه روزمره به نقد و طرد مذهب رسیده و جوانان زیادی مذهب را عملاً کنار گذاشته و اکس مسلم ها در ایران فراوان اند.

فراخوان من به این جوانان و به جنبش نقد و طرد اسلام اینست که خود را دریابید، موقعیت خود را درک کنید و با این جنبش عظیم در خاورمیانه وصل شده و خود را همراه و همگام این جنبش مهم، مدرن و رو به آینده سازید. اگر چیزی باید اضافه کنم اینست که نقد به اسلام و مذهب باید عمیق تر و در ابعادی تئوریک و فرهنگی و اجتماعی در ایران و در خاورمیانه باید رشد یابد و در عین حال ما در ایران باید در مقابل جنبش ملی – اسلامی و "روشنفکران کثیفی" بایستیم که کماکان سعی دارند اسلام را از زیر دست و پای مردم بیرون کشیده و آنرا نجات دهند.

زنده باد جنبش اکس مسلم در خاورمیانه و شمال آفریقا

مینا احدی

کلن – ۱۰ سپتامبر ۲۰۱۳